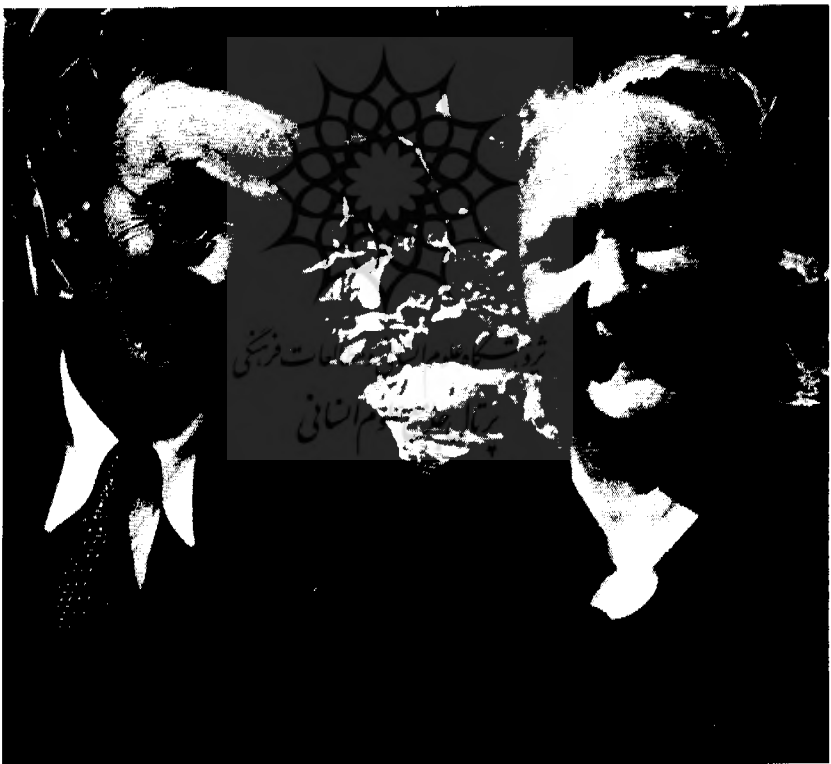


۳ بررسی و نقد ادبیات هر ملتی کاری دشوار است، زیرا افزون بر فاصله جغرافیایی، گاه پیش روی ما دره‌ای ژرف نمایان می‌شود که بسیار هراس‌انگیزتر از آن فاصله است، منظورم همان فاصله بین فرهنگ‌هاست، به خصوص آن زمان که نویسنده خود بر این باور است که به بخشی خاص از این کره خاکی تعلق دارد و مخاطبانش نیز در همان پاره از زمین زندگی می‌کنند. اما نویسندگانی هم هستند که گرچه به زبانی بیگانه آثارشان را می‌نگارند، اما حرفشان بر دل می‌نشیند، گویی جان کلام آنان همانی است که سده‌های متمادی بسیاری از ما در جستجوی آن بوده‌ایم و چه رنج‌ها که در این راه نبرده‌ایم. جالب‌تر آن است که در این جهان پهناور آثار این نویسندگان مخاطبانی فراوان بیابد و شمار آنان حتی بیشتر از هم‌وطنان و هم‌زبانان او باشد. این چنین آن شاعر، داستان‌سرا و ادیب دیگر متعلق به مرزهای محدود سیاسی و جغرافیایی و یا حتی زبانی نیست، بلکه انسانی جهانی و رسته از بند زمان و مکان است. از این رو ضرورت دارد تا پژوهشی متفاوت از دیگران در سیر تکامل زندگی و آثارش انجام گیرد. آنانی که با ادبیات اروپا آشنایی دارند، بی‌شک هرمان هسه را نمونه‌ای

از همان انسانهای جهانی می‌دانند. دلیل این مهم نیز کاملاً مشخص است، زیرا تاکنون بیش از یکصد میلیون نسخه از آثار ترجمه شده هسه در جهان انتشار یافته و نکته جالب اینجاست که بیشترین ترجمه‌ها در شرق و غرب عالم، یعنی آسیا و آمریکا، انجام پذیرفته است. آری، ترجمه آثار هسه به بیش از شصت زبان زنده دنیا خود شاهدی بر این مدعاست که او به مرز سیاسی یا جغرافیایی خاصی تعلق ندارد. مرز او آفاق و انفس و راز موفقیت بی‌مثال او جستجوی حقیقت و همان گوهری است که در تمامی دوره‌های زندگی بشر فیلسوفان و ادیان گوناگون وعده‌اش را داده‌اند. این چنین گاهی شخصیت داستان‌های هسه را در قالب شمن و بودا و گاه در قالب شاگرد مدرسه‌ای می‌بینیم که قابیل‌وار در پی کشف حقیقت هستی است. این شخصیت‌ها هیچ یک حد و مرزی نمی‌شناسند و همچون سیدارتا به تجربه تمامی ابعاد هستی می‌پردازند و وجودشان هرمان هسه با خواهرش ادله در مونتانیولا.



آمیزه‌ای از خیر و شر است، اما در نهایت به فراسوی این نیک و بد می‌نگرند.

با نگاهی به کتابشناسی آثار ترجمه شده هسه در می‌یابیم که در ایران استقبال شایانی از آثار او شده است. نخستین گام در معرفی این نویسنده را خسرو رضایی با ترجمهٔ *دمیان* در سال ۱۳۳۳ برداشت و شش سال بعد مترجم و معرف بسیاری از نویسندگان آلمانی زبان، کیکاووس جهانداری با ترجمهٔ *بسیار خوب گرگ بیابان* بر محبوبیت این نویسنده افزود. بعدها دکتر پرویز داریوش نیز با ترجمهٔ *آثار هسه*، به خصوص *سیدارتا*، یادمانهایی زبانی از خود بر جانهاد و این راه را برای مترجمان بعدی هموار کرد. تجدید چاپ‌های پر شمار آثار هسه و ترجمه‌های گوناگون همگی نشانی از همان ارتباط ناگسستی این نویسنده با جهان است.

انتخاب هرمان هسه برای این شماره سمرقند با پیشنهاد دوست دانشورم جناب آقای علی دهباشی که در عرصهٔ فرهنگ این مرز و بوم سال‌هاست تلاشی خستگی‌ناپذیر و پربار داشته است، آغاز شد و همو بود که در جلسات نقد و ویرایش مقالات پیوسته راهنمای این کمینهٔ کمترین بود. همچنین در این راه یک ساله دوستان بسیاری به ما یاری رساندند که هریک شایستهٔ سپاس و تقدیر هستند. بسیاری از این دوستان همکاران و اعضاء هیأت علمی دانشکدهٔ زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی هستند. حاصل این کار گروهی مجموعه‌ای است که اکنون پیش روی شماست و در آن کوشیده‌ایم تا حد امکان همهٔ ابعاد زندگی و تمامی آثار این نویسندهٔ جهانی را مطرح سازیم، به امید آنکه گامی هر چند کوچک در درک اندیشه و آثار هرمان هسه برداشته باشیم. ♦ ♦

دکتر سعید فیروز آبادی

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

